

توصیه‌های فراگیر و راهبردهایی برای توسعه

نوریار، ایسماگیلا (خجند، تاجیکستان)
مترجم: لادن نوبدی

«همه انسانها حق تحصیل دارند.»
(اصل ۲۶ (۱) اعلامیه جهانی حقوق بشر)

مقدمه

مضمون اصلی این نوشتار درباره زنان و تحصیل، خشکی و انعطاف‌ناپذیری هنجارهای اجتماعی و ارزیابی زنان آسیای مرکزی از این موضوعات است. علی‌رغم سخت‌کوشی زنان و اختصاص یافتن شماری از آژانسهای بین‌المللی توسعه و سازمانهای محلی به این موضوع، تعداد زنان بی‌سواد به نسبت اوایل دهه حاضر بیشتر شده است. در این مقاله، اظهارات زنان آورده شده است تا موقعیت امروزی آنها به وضوح نشان داده شود. این مطالب واقعیتی را از شکل‌گیری فعالیت‌های زنان برای بهبود فرصتهای آموزشی آنان بیان می‌کند که شامل درخواست صریح حمایت سازمانهایی است که به آنها آموزش تخصصی دهند و شغل در اختیارشان بگذارند. همچنین این زنان خواستار نهادینه کردن آموزش هستند و دولت و سازمانهای غیردولتی بیشتر از هر کسی باید پاسخگوی آنان باشند در بعضی مواقع نیاز به این تحولات عمیقاً برحسب هنجارهای موجود اجتماعی تغییر می‌کند. چالش اصلی پیش روی ما در ابتدای قرن بیست و یکم چگونگی یافتن آمدن بر این مسئله است. بخش اول این نوشته فرصتهای آموزشی زنان در جامعه آسیای

مرکزی را بررسی می‌کند و این که چطور در اثر عقلت و کم‌نوجهی به آنها بی‌عدالتی شده است. اشاره به این مسئله نیز مهم است که من ماهیت محرومیت زنان از برنامه‌های آموزشی را با لحاظ کردن رویکردی اجتماعی نسبت به برخی از رسوم منسوخ هنجارهای اجتماعی مطالعه کرده‌ام، رسونمی که مبین مانع اصلی آموزش زنان هستند. در بخشهای آخر، نظریات خود را درباره این مسئله بیان و راهکارهای لازم را برای ایجاد تغییر و رشد در زندگی این زنان ارائه کرده‌ام.

بخش اول: زنان و آموزش و پرورش در آسیای مرکزی
ابتدا اولین جمله از اصل ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر را یادآوری می‌کنم: «تحصیل حق هر انسانی است.» هر انسانی می‌تواند حق تحصیل داشته باشد، اما هنوز هم برخورداری از این حق مسلم برای خیلی از انسانها تحقق نیافته است. در آسیای مرکزی دسترسی به فرصتهای آموزشی برای زنان بسیار محدود است. این نابرابری ناشی از تمیض، مانند فقدان فرصتها و سواستفاده از نیازهای اولیه زنان، بیشتر توسط جوامعشان به وجود می‌آید.

آموزش و پرورش از حقوق اساسی بشر است اما دختران و پسران و زنان و مردان به‌طور مساوی از آن بهره‌مند نشده‌اند. در آسیای مرکزی همان‌قدر که به نسبت، زنان کمی به منابع

آموزشی دسترسی دارند، در مقایسه با مردان به همان اندازه نیاز
موانع قابل ملاحظه‌ای بر سر راهشان وجود دارد.

طبق بررسی‌هایی که در مورد نقض حقوق زنان صورت گرفته
است، همه بر این مسئله دلالت دارد که در واقع آنها به دلایل
ذیل درس نخوانده‌اند:

۱. «من اجازه بیرون آمدن از خانه را نداشته‌ام».
۲. «مدرسه یا دانشگاه در نزدیکی ما نیست».
۳. «برای تحصیل پول ندارم».
۴. «برای این کار وقت ندارم».
۵. «برایم جذاب نیست».

توجه به این مسئله مهم است که زنانی که حداقل تحصیلات
را دارند، بالاترین درصد اشکال گوناگون خشونت در جوامع خود
را متحمل شده‌اند: «۹۶ درصد از زنانی که تحصیلات ابتدایی یا
بالاتر ندارند، خشونت فیزیکی، ۹۹ درصد از آنان خشونت روانی،
و ۴۶ درصد از آنان خشونت جنسی را تجربه کرده‌اند»^۱.

پس بررسی عمیق مشکل تحصیل زنان در آسیای مرکزی، نه
تنها از نظر اجتماعی مهم است، بلکه طبق دلایلی که عنوان
شد، به صورت ضرورتی اخلاقی درآمده است. غالباً بیشتر زنان
و دخترانی که آموزش در مقاطع بالاتر را شروع می‌کنند، به
دلایل مختلف نمی‌توانند آن را به پایان برسانند.

جدول پایین به وضوح دلایل ترک تحصیل این زنان
را نشان می‌دهد.



بخش دوم: موانع اجتماعی تحصیل زنان در آسیای مرکزی

در آسیای مرکزی هیچ حوزه‌ای به اندازه روابط جنسیتی و
آموزش بر هم تاثیرگذار نبوده‌اند:

سواد زنان خانه‌دار: تعداد زنان باسواد از مردان باسواد کمتر است
و این بی‌سوادی مانع پیشرفت زنان است، چون مسئله
بی‌سوادی زنان باعث می‌شود تا در مجامع عمومی بیشتر در
حاشیه قرار گیرند. غالباً این زنان نمی‌توانند به راحتی در
برنامه‌های آموزشی غیررسمی شرکت کنند، چرا که وظیفه
خانه‌داری تمامی وقت آنها را به خود اختصاص می‌دهد، بنابراین
جای تعجب نیست که زنان کمتر از مردان از برنامه‌های دولت
یا توزیع خدمات آگاه باشند، چون کسب اطلاعات تا حد زیادی
منوط به درجه سواد افراد است. تعداد دخترانی که به مدرسه
می‌روند یا تعداد زنانی که در برنامه‌هایی حضور می‌یابند که
درخصوص توسعه طراحی شده است، کمتر از نصف تعداد پسران
است و این موضوع این واقعیت را نشان می‌دهد که وضعیت
ناآگاهی گسترده زنان امری پدیده است.

دوری راه و رفت و آمد: امروزه مدارس و مؤسسات آموزشی با
محل زندگی مردم فاصله دارد و استفاده و حضور در
این مکانها مستلزم صرف هزینه رفت و آمد است. به
علاوه در بسیاری از مناطق دختران و زنان به همراهی
با نذیمه یا مراقب ملزم هستند که در غیراین صورت، از
هنجارهای اجتماعی سر باز زنند. مزاحمت‌های

جنسی ایجاد شده برای زنان و دخترانی که به تنهایی رفت و آمد
می‌کنند، به این نوع هنجارهای جنسی دوام بخشیده است.
دوری راه و نگرانی‌های ناشی از آن بیشترین سهم را در بروز
ناراحتی برای خانواده‌ها به همراه دارد. مادران همواره از این
مسئله گلّه می‌کنند که برای تامین امنیت دختران خود ناچارند
آنها را تا مدرسه همراهی کنند و برای ملارانی که فرزندان با
سنین قبل از دبستان هم دارند، انجام این کار بسیار مشکل
است.

هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم: هزینه‌های تحصیلی، هم
شامل شهریه‌های آموزشی است و هم شامل خسارتی است که
به خاطر کار نکردن کودکان برجای می‌ماند. نمونه‌ای که در
ادامه عنوان می‌شود مختص وضعیت اقتصادی معمول در
آسیای مرکزی است، که در آنجا اکثر خانواده‌ها دست به کسب
و کارهای کوچک می‌زنند و به علت کمبودهای مالی، استطاعت
ندارند تا کارگری به غیر از اعضای خانواده را به کار گیرند. به این
ترتیب همه اعضای خانواده و حتی بچه‌ها ملزم هستند تا به
سختی کار کنند. اگر چه تعداد کمی از خانواده‌ها ادعا می‌کنند که
تحصیل و آموزش به زندگی خانوادگی آنها تحمیل شده از
اظهارات تعدادی از خانواده‌ها روشن می‌شود که کار اضافی که

دلایل ترک تحصیل درصد زنان پاسخگو

دلایل ترک تحصیل	درصد زنان پاسخگو
نداشتن امکانات مالی	۶/۹ درصد
دور بودن از مراکز آموزشی، نامناسب بودن مراکز آموزشی	۰/۴ درصد
برخوردار نبودن از سلامت کافی	۱/۳ درصد
بازداری	۱۲/۸ درصد
ژنوداج	۰/۶ درصد
تربیت فرزندان	۰/۸ درصد
مصافحت ملار، پدر، شوهر یا بستگان دیگر	۶/۸ درصد
نبود امنیت کافی	۴/۷ درصد
نیاز خانواده به کمک این شخص	۲/۶ درصد
عدم علاقه به درس خواندن (تنبلی)	۴/۵ درصد

بیشترین دلایلی که زنان را وادار به ترک تحصیل می‌کند، مربوط
به هنجارهای اجتماعی است. از این رو مطالعه و تحقیق درباره

کودکان انجام می‌دهند، به شدت برای خانواده‌ها محسوس است. کاری که کودکان دختر در خانه انجام می‌دهند همیشه برای خانواده‌ها بسیار مهم قلمداد می‌شود و دقیقاً همین مسئله با رفتن این کودکان به مدرسه ربط پیدا می‌کند. مطلبی را که خواندید، نمونه‌ای از هنجارهای متداول جنسیتی در جوامع آسیای مرکزی است.

بسی اوقات خانواده‌ها عنوان می‌کنند که درباره تحصیل دختران و پسران خود به شدت حاسی آنها هستند، اما بر این مسئله هم تأکید می‌کنند که تحصیل فرزندانشان نیازمند استطاعت مالی است. پیشنهادهای آنان در این خصوص عبارت است از: تحصیل بدون رستودن شهریه‌های برابری تهیه کتاب و نوشت افزار، به حداقل رساندن شهریه‌های ورودی، تهیه غذا برای دانش‌آموزان و افزایش تعداد مکانهای آموزشی در محدوده زندگی آنها. در حالی که اکثر والدین، تأمین بودجه آموزش کارآمد را به دولت واگذار می‌کنند، دولت به تجدید ساختارهای خود تمایل پیدا می‌کند. وقتی ترس از نیازهای مالی والدین را مجبور می‌کند تا از تحصیل بعضی از فرزندان خود معافیت کنند، مترجه می‌شویم که به شکلی نامتناسب اکثر این کودکان محروم از تحصیل، دختران هستند.

باین که ممکن است بعضی از خانواده‌ها دختران خود را هم به مدرسه بفرستند، اما فقط در تعداد کمی از این خانواده‌ها دخترانی را می‌بینیم که در تحصیل از برادران خود پیشی گرفته‌اند. بخشی از این «خشم‌های سرمایه‌گذاری» مربوط به امنیت خود خانواده است.

امنیت خانواده: در شرایط جدید اقتصادی، والدین همواره خواهان تضمین آینده و استقلال فرزندان خود هستند که مسلماً این مسئله بر تصمیم‌گیری آنان درباره آموزش کودکانشان تأثیرگذار است.

در خیلی از موارد ازدواج و تأمین درآمد برای زنان و مردان از عوامل بنیادین این تصمیم‌گیری‌هاست. برای مردان معمولاً استقلال و امنیت به این مسئله بستگی دارد که آنها تأمین‌کننده درآمد هستند. تحصیل، شان اجتماعی زنان را به عنوان فردی مستقل بالا می‌برد، اما در هر دو مورد، بین درجات تحصیلی زنان و مردان و آینده شغلی بهتر و درآمد بالاتر ارتباط زیادی وجود دارد. حضور دختران در فضاهای عمومی خارج از خانواده، یعنی جاهایی که با پسرنی به غیر از بستگان مواجه می‌شوند نیز یکی دیگر از عوامل ایجاد دل‌پرسی برای خانواده‌هاست. در واقع این مسئله را از دست دادن آبرو می‌دانند. همچنین تحصیل به دختران کمک می‌کند تا بتوانند با صراحت، انتخاب والدین (احتمالاً بی‌سواد) خود را رد کنند که شوهری از بستگان را برای وی در نظر گرفته‌اند. از این گذشته خیلی از آنها عقیده دارند دخترانی که درس می‌خوانند بیشتر در معرض بارداری قبل از

ازدواج قرار می‌گیرند. طبق سئوالی که عموماً عنوان می‌شود: «دخترتلی که بدون پیوند زناشویی باردار می‌شوند، در مجامع فرصت‌های ازدواج خود را به خطر می‌اندازد و بدین سبب علی‌رغم برخورداری بعضی خانواده‌ها از امکانات مالی، دخترانشان در کلاسهای آموزشی شرکت نمی‌کنند. والدین برای اجتناب از این درگیریها ترجیح می‌دهند که فرزندان دختر خود را در خانه نگه دارند»^۲

ذکر این مسئله مهم است که در بعضی موارد خود بچه‌ها ترجیح می‌دهند که درس بخوانند و نسبت به برنامه آینده زندگی خود حاساس هستند. اغلب دختران مدعی هستند که خود آنها کار کردن را ترجیح می‌دهند، چون به این ترتیب می‌توانند مقداری پول برای زمان ازدواج خود سزانداز کنند. دخترانی که در مناطق روستایی کشاورزی می‌کنند و به مدرسه نمی‌روند فکر می‌کنند که چیز زیادی را از دست نمانده‌اند: «پدر و مادرهای ما کشاورز هستند و فرستادن ما به مدرسه را زیاد ضروری نمی‌دانند. کشاورزی شغل بهتری است چون به طور بالقوه می‌شست ما را در طول عمر فراهم می‌کند.»^۳ منطقیاً این دختران هیچ وقت به مقاطع تحصیلی بالاتر نمی‌روند و در تمام طول عمر بی‌سواد باقی خواهند ماند.

ازدواج: خانواده‌ها از تحصیل دختران و زنان جوان منصرف می‌شوند، چون سرپرستی دختران بعد از ازدواج به عهده خانواده شوهر خواهد بود. بنابراین این دلایل، والدین می‌بینند که تحصیل دختران اثلاف هزینه‌است و بهتر است روی یکی دیگر از افراد خانواده سرمایه‌گذاری کنند. به هر حال، به کرات به این مسئله اشاره نده است که نهادهای آموزشی نمی‌توانند با رسوم ازدواج و بارداری در سنن پایین منطبق شوند.

سوءاستفاده و آزار جنسی: بعضی از جوانان، عمدتاً دختران، از سوءاستفاده یا آزار جنسی از طرف معلمان مرد و دانش‌آموزان پسر در مؤسسات آموزشی واهمه دارند. نهادهای آموزشی اغلب در مقابل این مشکل، با سکوت می‌کنند یا واکنش چندانی نشان نمی‌دهند. بنا به گزارش بانک جهانی، آزار جنسی یکی از موانع مهم تحصیل دختران است: «در حقیقت همه والدین خواهان تحصیل فرزندانشان هستند، اما فرستادن دختران به مؤسسات آموزشی از حد معمول عبتر است.»^۴ همچنین والدین از این که حضور دخترانشان در مدرسه باعث وارد شدن خدشه به آبرویشان شود، بیم دارند. به نظر می‌رسد چنانچه برای رفع مشکل امنیت دختران چاره‌اندیشی شود، آمار ثبت‌نام دختران در مدرسه افزایش خواهد یافت.^۵ در بیشتر مناطق، توزیع نامساوی معلمان زن و گرایش آنها به مناطق شهری به شکل نامطلوبی بر حضور دختران در دوره‌های آموزشی در مناطق روستایی تأثیر گذاشته است.

وقتی که معلمان، دانش‌آموزان را مورد سوءاستفاده جنسی قرار



بدهندد ممکن است برای جوامع محلی کار مشکلی باشد تا متخلفان را از موقعیتهای شنیشان برکنار کند.

این مطالبه نشان دهند نمونه‌های بازاری از محرومیت تحصیلی زنان است. با این که فرهنگ هر جامعه ماهیت دقیق این محرومیت را نشان می‌دهد، تشابهات زیر نیز در جوامع مختلف دیده می‌شود: طبق سنت، هویت زنان در درون خانه مبتنی بر نقش مادری و همسری آنهاست. زنان شکایت می‌کنند که «وظیفه پخت و پز و تربیت و نگهداری از فرزندان را چه از لحاظ عاطفی و چه از لحاظ مادی، صرف‌نظر از تشریک مساعی شوهرانشان در اداره امور خانواده، تحمیل می‌دهند»^۵ وظیفه خانه‌داری از عمده‌ترین دلایلی است که مشارکت زنان را در برنامه‌های آموزشی رسمی یا حتی دوره‌های کوتاه مدت غیررسمی دشوارتر می‌کند. ارتباط اکثریت قاطع زنان آسیای مرکزی با نهادهای عمومی قطع شده است به خصوص ارتباط با نهادهایی که به آموزش و پرورش می‌پردازند. در گفت‌وگو با این زنان، اغلب شنیده می‌شود که می‌گویند: «ای کاش پسر به دنیا می‌آمد»^۶

در خیلی از موارد وظیفه مادری و همسری تغییرناپذیر ارزیابی می‌شود؛ به طوری که زنانی که از این رویه سر باز زده‌اند از طرف افراد طرد شده و با تبعیض مواجه هستند. به طور کلی چنین نتیجه‌گیری می‌شود که دختران نسبت به پسران تمایل دارند سال‌های کمتری را صرف آموزش. چه رسمی و چه غیررسمی. کنند.

بخش ۳: ایجاد آموزش و پرورش متناسب و قابل دسترسی

«سازمانهای دولتی و غیردولتی می‌توانند نظام آموزشی بهتری در جهت آموزش کاربردی و فنی ایجاد نمایند»^۷

در درجه‌بندی اولویت‌های زنان، خود آنها یادآور می‌شوند که ارزش تعلیم و تربیت و آموزش فنی مانند کلیدی برای گشودن آینده بهتر برای خود و مخصوصاً فرزندان‌شان است. قبل از اینکه توصیه‌هایی عمومی و راهبردی برای ارتقای فرصتهای آموزشی زنان عنوان کنیم، لازم است موضوعات متناهی که علل اصلی این مسئله هستند، شرح داده شوند. تشخیص این که تحصیل عاملی محوری است تا زنان توانایی اداره خودشان را در لوزاع سخت اقتصادی داشته باشند و مسلماً به اجتماع خود نیز کمک کنند، بسیار مهم است. باید انرژی بیشتری صرف شود تا بتوان بر موانعی که از رشد تحصیلی زنان جلوگیری می‌کند فائق آمد. در این زمینه توصیه‌هایی کلی در زیر ارائه شده است:

۱. زنان باید فعالیت در ارزیابی، برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های آموزشی سهمیم باشند و اطمینان حاصل کنند که این برنامه‌ها متناسب با فرهنگ و مطابق نیازهای آنهاست.
۲. برنامه‌های آموزشی زنان باید پاسخگوی نیازهای آینده آنان باشد و سهم بسزایی در روند تغییر جامعه برایشان ایجاد نماید.

برنامه‌های آموزشی می‌تواند دربردارنده شناسایی مقتضای گوناگون آموزشی در مواجهه با نیازهای اقتصادی در حکومت‌های استقلال یافته آسیای مرکزی و همچنین مناسبات داخلی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در این کشورها باشد.

۳. تحصیل باید با الگوهای زندگی دختران مطابقت داشته باشد و به آنها امکان دستیابی به فرصتهای آموزشی یکسان بدهد. نباید اجازه داد که از نوجوان و باردار سدی عبورناپذیر برای ادامه تحصیل باشد.

۴. به ویژه دوره‌هایی که برای پاسخگویی به نیازهای زنان برنامه‌ریزی شده است باید برای آنهاهایی هم که نمی‌توانند تحصیلات خود را به اتمام برسانند، قابل استفاده باشد. لازم است برای آنهاهایی که مراکز آموزشی برایشان قابل دسترسی نیست، حق تقدم قائل شد.

۵. در طراحی برنامه‌های آموزشی برای زنان، علاوه بر مهارتهای موجود باید فرصتهای شغلی را نیز سنجید.

۶. ارزیابی برنامه‌های آموزشی موجود باید با همکاری نزدیک زنان انجام شود. همچنین برنامه طراحی شده بایستی به تأیید همه افراد مرتبط با طرح و اجرای آن برسد، چرا که این افراد ملزم به پاسخگویی به زنان هستند و در روند ارزیابی هم باید ابزار ضروری برای کنترل و سنجش گنجانده شود.

۷. توصیه‌هایی که دربردارنده راهنمایی زندگی هستند باید هم برای زنان مناطق روستایی و هم برای زنان مناطق شهری قابل استفاده باشد.

۸. برای زنانی که به خاطر مکان زندگی دسترسی به آموزش رسمی برایشان دشوار است یا این مکانها هنوز ایجاد نشده‌اند، برنامه‌های آموزشی غیررسمی فوق‌العاده مهم است. این برنامه‌ها باید استقلال مالی زنان را مورد توجه قرار دهند و مهارت کسب و کار و خرید و فروشهای کوچک را به آنها آموزش دهند.

۹. در برنامه‌های آموزشی غیررسمی باید مدرکی مثل یک نوشته، گانژ یا گواهی تهیه شود تا مال بر گذراندن این دوره باشد و حتی می‌توان ساعات حضور در این دوره‌ها را هم عنوان کرد.

۱۰. دولت‌ها و سازمانهای غیردولتی باید بودجه‌ای مخصوص برای شناسایی فرصتهای آموزشی قابل استفاده زنان در نظر بگیرند.

به هر حال هرچند برنامه آموزشی اجرا می‌شوند، ولی وقتی به میزان مشارکت زنان در این برنامه‌ها نگاه می‌کنیم، آداب و رسوم فرهنگی به صورت متغیرهای بسیار مهمی جلوه می‌کنند. من فکر می‌کنم تعمق درباره چگونگی غلبه بر موانع فرهنگی نیز مهم است. در مواجهه با موانع فرهنگی برای اجرای برنامه‌ها و دستاورهایی که از طریق این برنامه‌ها می‌خواهیم بدان‌ها برسیم، باید مراقب بود از آنجا که این برنامه‌ها چالشهای عظیمی در قبال تنجاریهای موجود اجتماعی یا روابط موجود خانوادگی ایجاد می‌کنند. باید ماهیت آنها به شکلی باشد که از بروز



در صورتی که برنامه‌های کاهش بی‌سوادی به طور کامل جامعه عمل بیوشند، زنان و مردان با حمایت روانی و ارتقای سطح آگاهی ایجاد شده می‌توانند با هم با جداگانه مسیر دشوار تحولات را بییابند؛ به طوری که که زنان بارها چنین اظهار داشته‌اند: «زنان و مردان باید دور یک میزگرد بنشینند تا درباره حقوقشان به مذاکره بپردازند. چنانچه مردان در این امر شرکت داده نشوند این مسائل درک نخواهد شد...»^۸

این را هم باید بدانیم که برای دستیابی کامل به آموزش و تحصیل، نیازمند برنامه‌های بلندمدت هستیم و آگاهی از علل بنیادی تشنه‌ای جاری، خشونت ساختاری و سرکوب زنان را افزایش می‌دهد. نباید فکر کنیم که تنها زنان در مورد برنامه آموزشی ذی‌نفع هستند. باید برای مشارکت کامل زنان در این برنامه‌ها فرصت ایجاد کرد. آنها باید خودشان بخشی از پروژه تشخیص راه‌حلها و تکمیل راه‌چاره‌های مشکلاتشان باشند.

نتیجه‌گیری

گوش فراخان به صدای زنان به منزله یک آغاز است، اما فقط یک آغاز. این کار ممکن است راهی برای تغییر ادبیات جاری باشد. آسیای مرکزی یکی از مناطق منحصر به فرد دنیا با شکافی عمیق بین زنان تحصیل کرده از یک طرف و زنان بی‌سواد از طرف دیگر است. در واقع، آینده این منطقه نیز منحصر به فرد است، چرا که زنان تحصیل کرده برای چیزهای خوبی زحمت می‌کشند که برای زنان بی‌سواد ارزش دارد. آیا عملکرد ما همه چیز را برای تحصیل زنان بهبود می‌بخشد؟ آری، به دیدگاه همه بخشها، و به دستگی دارد. امیدوارم این نوشتار زنان را به تغییر شرایط امروزی و برطرف کردن مشکلات آنان در این روند تشویق کند.

پی‌نوشتها

1. Violence against Women, report of the 1999 World Health Organization survey, pg 1,2
2. Violence against Women, report of the 1999 World Health Organization survey, pg 15
3. Injustices towards women, NGO Brochure, Khujand, 1999
4. Personal interview with girls and women, February 2001
5. World Bank report, pg. 75
6. Personal interview with girls and women, February 2001
7. Personal interview with girls and women, February 2001
8. Personal interview with girls and women, February 2001

تنشهای جنسی در خانواده و جامعه پرهیز شود. همین هنجارهای اجتماعی تعیین می‌کنند که در هر نامحل چه کسی چه ارزشی دارد. وقتی به تعاملات زنان با مقامات رسمی کشور، اعضای شورای محلی، نخبگان و همچنین در محدوده خانداری، مواجهه آنان با شوهران، مادر شوهران، اقوام سایر زنان، مربیها و معلمها توجه کنیم، واضح است که این روابط را در وهله اول قانون کنترل نمی‌کند، بلکه جامعه و هنجارهای اجتماعی هستند که بر روابط زنان با سایرین تاثیر می‌گذارند. چند راه برای غلبه بر موانع فرهنگی عبارت‌اند از:

۱. اطمینان از تائید رهبران (عموماً مرد) جامعه (برای دوره‌های غیررسمی)؛

۲. ایجاد کردن محیطهای آموزشی حساس به هنجارهای فرهنگی؛
۳. استخدام زنان به منظور کار کردن در این مراکز: به عنوان مربی و معلم.

بخش ۴: مواجهه با تغییرات - چه کسی در این تغییرات قدرتمندتر است: افراد یا نهادها؟

به منظور ایجاد تغییر در فرصتهای آموزشی زنان در مقیاس بزرگ، به فعالیت قدرتمند افراد و نهادهای نیازمند هستیم. در این‌جا سوال پیش می‌آید که در روند این تغییرات چه کسی توانمندتر است؟

همه کشورهای متناسب به آسیای مرکزی، برابری زن و مرد را عنوان کرده‌اند اما در این کشورها روابط فردی به گونه‌ای توصیف شده است که ایجاد

فرصتهای آموزشی برای زنان به تنهایی نمی‌تواند کمکی به رفع موانع موجود کند. چنانچه موضع افراد در جهت حمایت از حقوق زنان تغییر کند انسانهای متقدم از میان سد ستهای منسوخ راهی خواهند ساخت تا زنان بتوانند به آرزوی دیرینه خود (تحصیل) دست یابند. در هر جا زمانی که مطالعات نقش‌نهادین ایجاد کند و اجرای برنامه‌های آموزشی برای زنان را برجسته نماید، همیشه افراد ثابت قدم سمرشقی برای اصلاح اوضاع به شمار می‌آیند. تغییرات مثبت برای بهبود موقعیت زنان و آموزش قابل دسترس برای آنان، ضرورت تغییر در روابط بین افراد را برجسته می‌کند.

این روابط از طرف زنان و مردان به شکل توقعاتی درونی درآمده‌اند و از سنین کودکی به بخش عمیقی از ضمیرشان تبدیل شده است. این زنان و مردان به شدت در مقابل تغییر مقاومت می‌کنند. اما در مجموع، توسعه آموزشی در آسیای مرکزی بیشتر از آن که راه رسیدن به «رشد زنان و مردان» را دنبال کند، هنوز در راه رسیدن به «رشد زنان» است. من معتقدم که برای بهبود، بروز تغییرات، اجتناب‌ناپذیر است، اما در مقوله رشد باید به راههایی فکر کرد تا زنان و مردان توان گذر از آن را با کمترین لطمه داشته باشند.

